

گفت‌وگو با محمدحسن مداح‌الحسینی چووشی‌خوان قدیمی سیرجان؛ به عشق امام حسین (ع) چووشه می‌کنم

بتول بلالی

گزارش

«چووشی» یعنی چی؟

«چاووش» یعنی تذکر. «چاووش‌نامه» یعنی خبر حزن‌آور، خبر برپا شدن مجلس امام حسین (ع)، یعنی خبر رفتن به زیارت ابا عبدالله، خبر برپایی روضه.

چووشی با مداحی فرق دارد؟

بله، سبک شعرهای چووشی مشخص و متفاوت است و هر شعری یک لحن و آهنگی برای خواندن دارد. مثلاً برای چووشی روضه‌خوانی شعر باید حزن‌آور و مختص روضه‌ی ابا عبدالله‌الحسین باشد چون مردم با شنیدن این شعرها گریه می‌کنند.

شعرهای چووشی را از کجا می‌آوردید؟

از تهران کتاب می‌خریدم. کتاب شعر و شعرهای قدیمی زیادی دارم. خودم هم شعر می‌گویم.

- تعداد ابیات چووشی چقدر است؟

بیشتر اشعار کوتاه است و در حد ۵ یا نهایتاً ۱۰ دقیقه خوانده می‌شود.

کسی که مداح نباشد می‌تواند چووشی کند؟

بله.

چووشی چه مواقعی خوانده می‌شود؟

از اول ماه محرم تا آخر ماه صفر خوانده می‌شود. در روزهای عاشورا، تاسوعا، اربعین و آخر ماه صفر بیش‌تر چووشی می‌کنند. حتی در ماه وفات برای فاطمه‌ی زهرا هم چووشی می‌کنند. وقتی آخوند به منبر می‌رود نیز چووشی می‌کنند. در ایام دیگر هم در برخی مجالس چووشی خوانده می‌شود. مثلاً در ماه رمضان یا کسی که از سفر مکه و کربلا می‌آید برایش چووشی می‌کنند.

الان هم چووشی‌خوانی می‌کنید؟

بله. در خانه‌ی دکتر صادقی مراسمی بود و چووشی کردم. جاهایی که دعوت‌ام کنند و درخواست کنند و مراسم باشد، چووشی می‌کنم.

وقتی چووشی می‌کنید چه حس و حالی دارید؟

(با گریه) دنیا یادم می‌رود و حالم متقلب می‌شود. این‌قدر عشق حسین در سرم هست که وقتی می‌خواهم بخوانم طاقت نمی‌آورم و گریه‌ام می‌گیرد. یادم می‌آید که امام حسین در گودی قتلگاه سر به نیزه‌ی بی‌کسی زده، آن زمان که صدا زد: مردم! آیا کسی هست من غریب را یاری کند؟ آهای حبیب، مسلم‌بن عوسجه، عباس، عون، جعفر، ای یاران من... حتی وقتی مقتل را می‌خواندم، گریه می‌کنم.

از «چووشی‌خوانی» خاطره‌ای دارید؟

سال‌ها پیش آهنگری را کنار گذاشت و به ساختن گنبد و گلدسته و سقاخانه و تعمیر غلیم‌های دسته‌های عزاداری رو آورد اما حالا دیگر از مغازه‌ای که در آن با ورق‌های طلایی رنگ، گلدسته درست می‌کرد و گلدسته‌هایی که از دور برق می‌زد، خبری نیست. حالش خوب نیست و قلب‌اش مشکل پیدا کرده است. ناتوانی در بلند کردن وسایل سنگین، نبود کمک‌دست و شاگرد و عدم توانایی کار کردن برای ساعت‌های طولانی، راکد شدن بازار تقاضای گلدسته، گرانی ورق‌ها و اجناس مربوطه، در کنار اجاره‌بهای سنگین مغازه، دست به دست هم داد تا با ساخت گلدسته‌های ۳-۴ و ۵ متری، خداحافظی کند و فقط به انجام کارهای خرده‌کاری آهنگری بپردازد. هنوز هم به کارش علاقه‌مند است. در خانه حوصله‌اش سر می‌رود. روزها به بازار و خیابان می‌رود، قدمی می‌زند و به خانه برمی‌گردد. می‌گوید بیمه‌ی امام حسین و ابوالفضل (ع) هستم. به همین دلیل در منزل خود به درست کردن زنجیرهایی که عزاداران حسینی برای زنجیرزنی در هیئت‌ها سفارش می‌دهند، می‌پردازد. مشتری آن‌چنانی ندارد مگر آشنایان و دوستان‌اش.

«محمدحسن مداح‌الحسینی» یکی از بازمانده‌های سنت «چووشی‌خوانی» در سیرجان است. با او درباره‌ی این سنت قدیمی صحبت کردم. در این‌باره خاطرات دوران کودکی‌اش را تعریف کرد و بارها چشمان‌اش به عشق امام حسین (ع) سرخ شد و اشک بر گونه‌های پیر و چروکیده‌اش روان شد. می‌توان گفت او تنها بازمانده‌ی سنت چووشی‌خوانی در سیرجان است. از چووشی‌خوانان قدیمی سیرجان تقریباً کسی در قید حیات نیست.

- چند سال است که «چووشی» می‌کنید؟

حدود ۵۵ سال. خانه‌ی اعلا، خانه‌ی حاج رشید و خانه‌ی پدرم که آخوند به منبر می‌رفت، همراه موزیک‌چی می‌خواندم. از حدود ۳۰ سالگی چووشی‌خوانی را شروع کردم. پسر دایی بابام، کل‌عبدالحسین مداح‌الحسینی چووشی می‌کرد. من هم صدای نسبتاً خوبی داشتم و از او یاد گرفتم. موقعی که برای ماه محرم در خانه‌ی اعلا، خانه‌ی حاج رشید، خانه‌ی گلایی، خانه‌ی حاج‌زین‌العابدین و... چادر می‌زدند، مرا خبر می‌کردند که بیا برای چووشی کردن. اگر کسی هم از سفر کربلا می‌آمد می‌رفتم و چووشی می‌کردم. حدود ۸۰ سال پیش که سه، چهار ساله بودم، عصر عاشورا و تاسوعا و ایام محرم بچه‌های محله را جمع می‌کردیم و داخل خانه سینه می‌زدیم و عزاداری می‌کردیم. در موقوفه‌ی پدرم آخر ماه صفر، روضه‌خوانی داشتیم. آن زمان دو، سه کاروان و هیئت بیش‌تر در سیرجان نبود. پدرم نعلش آدمی را به صورت مجسمه درست می‌کرد و من در نقش سکینه و از زبان سکینه و زینب اشعار تعزیه را می‌خواندم. از هفت سالگی تعزیه را در نقش طفلان مسلم شروع کردم. وقتی هیئت کاروان‌حسینی وارد خانه‌ی اعلا می‌شد، جلوی دسته، شبیه (تعزیه) در می‌آوردیم. با ورود بقیه‌ی هیئت‌ها هم تعزیه می‌خواندم.

غیر از شما کسی در آن زمان چووشی می‌کرد؟

آن زمان من و کل‌عبدالحسین بودیم. پای روضه‌ها نوحه و مرثیه و اشعار مذهبی می‌خواندیم. ۴۰ سال در هیئت آهنگرها (هیئت علی‌اکبر) نوحه می‌خواندم.